

معتقد باش ولی خرافاتی نباش!

از ویژگی‌های مهم انسان که سبب برتری و متمایز شدن او از سایر مخلوقات می‌شود...



از ویژگی‌های مهم انسان که سبب برتری و متمایز شدن او از سایر مخلوقات می‌شود، قوه ادراک اوست. در سایه این نیروی شگرف است که انسان می‌تواند افسار و زمام امور زندگی خود را به دست بگیرد و توسط آن روزگار بگذراند، ولی هنگامی که این نعمت خدادادی در گذر زمان، در سیطره توهومات و خیال در قالب و شکل خرافات قرار بگیرد و این رویکرد مانع پیشرفت و عملکرد صحیح و درست خرد و عقل شود، این نیرو در حقیقت از کار افتاده است و تأثیر و کاربرد خود را از دست می‌دهد و خرافات و توهم به جای آن به ایفای نقش می‌پردازد.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: معتقد بودن به بخت و اقبال، طالع و طلسم، فال، صدای جغد و کلاغ و این گونه موارد در برخی از اشخاص وجود دارد و این نوع خرافه‌های فرهنگی، گاهی سبب انحراف انسان از رسیدن به حقایق و واقعیات دین می‌شود و گاهی اثر این گونه مطالب بی‌اساس و خرافاتی به نحوی است که به بسیاری از مسائل، صبغه اعتقادی می‌دهد. در نتیجه برای معتقدان آن، حتی حقایق اعتقادی و اصول دین بی‌ارزش می‌شود.

خرافات در لغت به معنای باورهای باطل و بی‌اساس است که فاقد پایه و ریشه عقلی باشد و در اصطلاح به هر امر غیرواقعی و حقیقی اطلاق می‌شود، به خاطر کشش و جاذبه برخی افکار بیهوده و بی‌اساس خرافه، خلأ‌هایی در هویت فرد و جامعه ایجاد می‌شود که باید برای رفع آن چاره‌ای اندیشید، باید از رواج ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون و اصیل اسلامی استفاده کرد و این خلأ‌ها را پر کرد تا جامعه دچار پیامدهای منفی که سبب فقدان هویت نسل جوان می‌شود، نشود.

خرافه پرستی، تاریخی به قدمت دوره و عصر بشریت دارد، تا آنجا که نمی‌توان شروع آن را اختصاص به مکان و زمان و جامعه‌ای خاص داد؛ چرا که در کنار تفکر و اعتقاد صحیح، عقاید و افکار باطل نیز به وجود آمده و رشد یافته است. عقاید خرافه‌ای که آدمیان را به خود سرگرم کرده است؛ حتی در دنیای پرطرفدار ورزش، به خصوص فوتبال که توجه همگان را به خود واداشته و اشخاص برجسته و چهره‌های شاخص و بزرگ سیاسی و اجتماعی را معطوف به خود کرده است، عقاید باطل و خرافات بسیاری از مدل و رنگ موی سر، طرز لباس پوشیدن و نحوه آرایش و ... پدیدار شده است، اما تمامی آن‌ها به عقاید باطل و خرافاتی که هیچ‌گونه پایه و مبنای عقلی و منطقی ندارد، برمی‌گردد.

یکی از مهم‌ترین اصول و مبنا در سیره و روش پیامبران و امامان تکیه بر واقعیات و حقایق و دوری و پرهیز از هرگونه خرافات و بدعت‌هاست؛ ولی متأسفانه برخی از دینداران ساده‌اندیش در توجیه سخنان خویش، متوسل به عقاید خرافاتی می‌شوند و برای آشکار کردن اثر اعتقادات دینی خود، مسائل خرافاتی را رواج می‌دهند که اصلاً ربطی به دین و مسائل حقیقی دین ندارد.

ریشه خرافات، جهل و نادانی در دستیابی به علل و عوامل حقیقی حوادث و مسائل و همچنین ترس و اضطراب از امور مبهم و نامعلوم یا به خاطر فرار از مشکلات و مرتفع کردن آن‌ها می‌باشد و برخی از خواب‌ها و خیال‌های بیهوده انسان‌های بسیاری را معطوف به خود کرده است. هرچند اشاره به این نکته لازم است که رؤیاهای صادقه که مبنی بر مستندات عقلی و منطقی هستند مستثنی می‌باشند. زمانی که انسان در زندگی با مسائل ناخوشایندی مواجه می‌شود که در توجیه و تبیین آن‌ها ناتوان است یا با مسائلی روبه‌رو می‌شود که دلیلی منطقی برای آن‌ها به دست نمی‌آورد، آن‌ها را به یک خرافه نسبت می‌دهد. البته می‌توان در اکثر مواقع ریشه خرافات را از افراد سوءاستفاده‌گر که از این راه پول درمی‌آورند، دانست.

اینان در پوشش تبلیغ دین و با نام دین و در حقیقت خود دین مردم را به بازی می‌گیرند و از این طریق سود می‌برند. این افراد با چهره‌ای مقدس مآبانه و با نام دین و برعکس جلوه دادن سنت‌های پیامبر، پا به عرصه می‌گذارند و در حقیقت اصل دین را به خرافه و باطل گره می‌زنند. در قرآن کریم (سوره بقره آیه ۷۹) خداوند متعال می‌فرماید: «پس وای بر کسانی که نوشته‌ای می‌نویسند، آن‌گاه می‌گویند: این از سوی خداست، تا بدین وسیله بهایی اندک به دست آورند. پس وای بر آنان از آنچه به دست خود نوشته‌اند و وای بر آنان از آنچه به دست می‌آورند.» پیامبر اسلام (ص) با آنچه غیر دین بود و به نام دین معرفی می‌شد، مبارزه و برخورد نمودند و همچنین این امر را جزو وظایف عالمان بعد از خویش قرار دادند.

خرافه پرستی پیامدهای منفی بسیاری دارد از جمله اینکه اعتقاد و باور به خرافات باعث عدم مسئولیت‌پذیری و شکست و ناکامی فرد می‌شود. به بیان دیگر انسان مسئولیت اعمال خود را نمی‌پذیرد و آن را به بخت و اقبال نسبت می‌دهد. این امر

اعتماد و عزت نفس را کاهش می دهد؛ موفقیت ها را ناشی از بخت و اقبال می بیند و بر این اساس درک و شناخت نقاط ضعف و قوت را از بین می برد.

غربی ها که مدعی پرچمداری تمدن و پیشرفت های بسیار در جهان هستند، در درون و بنیاد خود با کج‌اندیشی غیرعلمی و جاهلانه مواجه هستند که در واقع متضاد منطق علمی است و حتی آن را زیر سؤال می‌برد، برای نمونه آلمانی ها تصور می کنند تیریک تولد زودهنگام تا قبل از نیمه شب روز تولدشان بدشانسی می آورد، در فرانسه، گربه های سیاه بدیمن هستند، در مجارستان اگر لبه یک میز بنشینید هرگز ازدواج نخواهید کرد، در ژاپن تلفظ عدد چهار بسیار شوم است و به معنای مرگ است و موارد بسیار دیگر...

حال آن که مردم کشور ما به دلیل قدمت تمدنی و اعتقادات والای اسلامی، توانسته‌اند تا حدی میان اعتقادات واقعی و حقیقی و باورهای خرافی و باطل حد تعادل را نگه دارند که به آن اصطلاح «روشن‌بینی» ایرانیان اطلاق می شود.

امید است در سایه معرفت و آگاهی، با اتکا به واقعیات، از عقاید خرافی بیهوده و منحرف از حقیقت دست کشیده و عمر گرانبها را صرف مسیری پوچ و بی فایده نکنیم البته این امر به هوشیاری و دقت و توجه بسیار نیاز دارد. خرافه پرستی و تبعیت از موهومات از نظر دین اسلام مردود و ناپسند است، البته باید توجه داشت این گونه نیست که هرچه در نگاه اول با رأی و عقیده یا منطق و عقل ما ناسازگار بود، آن را خرافه و پوچ پنداریم و نشان و مهر خرافه پرستی را بر پیشانی فردی که به آن عمل می کند، بزنیم بلکه باید با افزودن به قدرت بصیرت خود و با استفاده از سیره و گفتار معصومان، توانایی تشخیص سره از ناسره را پیدا کنیم.